



هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در دهمین نشست احزاب کارگری و کمونیستی جهان در برزیل

- ♦ بیانیه سائوپالو: سوسیالیسم جایگزین مناسب شرایط کنونی است!
- ♦ پیام ریاست جمهوری برزیل به دهمین نشست احزاب کارگری و کمونیستی جهان
- ♦ قطعنامه نشست احزاب کارگری و کمونیستی جهان بر ضد امپریالیسم و در همبستگی با مردم ایران در صفحات ۹، ۱۰ و ۱۱



شماره ۸۰۵، دوره هشتم
سال بیست و سوم ۱۶ آذر ۱۳۸۷

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی

درباره برگزاری نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

مرکزی را بررسی و رهنمود های لازم را به شعب ابلاغ کرد.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی، گزارش مفصلی را درباره تلاش های رژیم ولایت فقیه و دستگاه های امنیتی آن برای ضربه زدن به تشکیلات و وحدت حزب توده ایران، در دهه های اخیر، مورد بررسی قرار داد و در پی بحث و تبادل نظر شرکت کنندگان در نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب، سندی با عنوان "درباره وحدت حزب و دشواری های مبارزه و فعالیت حزب توده ایران پس از یورش رژیم ولایت فقیه" به اتفاق آراء به تصویب شرکت کنندگان در نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب مان رسید.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب مان در انتهای کار خود با انتخاب مجدد اعضای هیئت سیاسی، صدور قطعنامه ای درباره بیستمین سالگرد فاجعه ملی و همچنین تصویب پیام های گوناگونی به : مردم ایران؛ به کارگران و زحمتکشان؛ به زنان مبارز؛ به جوانان و دانشجویان؛ به زندانیان سیاسی و خانواده های جان باختگان راه آزادی؛ به نیروهای آزادی خواه، تحول طلب و هوادار دموکراسی؛ و به نویسندگان، مترجمان، شاعران، هنرمندان، روزنامه نگاران و خبرنگاران، با موفقیت به کار خود پایان داد.

دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۸۷



نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، با حضور اعضای اصلی و مشاور کمیته مرکزی و شماری از مسئولان و کادرهای حزبی، برگزار شد. پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب کار خود را با یک دقیقه سکوت به احترام خاطره شهدای راه آزادی میهن آغاز کرد و سپس به بررسی گزارش هیئت سیاسی کمیته مرکزی، در ارزیابی آخرین تحولات ایران و جهان پرداخت. گزارش هیئت سیاسی پس از بحث و تبادل نظر و پیشنهادات اصلاحی رفقای شرکت کننده با اکثریت آراء به تصویب نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب رسید. در پی تصویب گزارش سیاسی، نشست (وسیع) کمیته مرکزی حزب گزارش شعب مختلف کمیته

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی
حزب توده ایران به زنان مبارز و
مترقی ایران! درص ۲

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی
حزب توده ایران به جوانان و
دانشجویان مبارز درص ۳

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی
حزب توده ایران به کارگران و
زحمتکشان درص ۲

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی
به نویسندگان، شاعران،
مترجمان، هنرمندان، روزنامه
نگاران و خبرنگاران ایران
درص

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی
حزب توده ایران به مردم ایران
درص ۶

پیام به همه نیروهای سیاسی
آزادیخواه، تحول طلب و هوادار
دموکراسی در ایران درص ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به زنان مبارز و مترقی ایران!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین درودهای خود را به شما زنان دلیر و پیکارجوی ایران که در شرایط دشوار ادامه سیاست های سرکوبگرانه و زن ستیز ولایت فقیه مبارزه می کنید، نثار می کند. شما در شرایطی به پیکارتان ادامه می دهید که فشار و سرکوب بر ضد نیروهای مردمی، و از جمله جنبش زنان، در سال های اخیر اوج بی سابقه ای گرفته است. از احضارها و بازداشت ها و صدور احکام زندان و شلاق و ممنوع الخروج ساختن فعالان زن گرفته تا خشونت در خیابان ها تحت عنوان "طرح ارتقاء امنیت اجتماعی"، سانسور در عرصه های مختلف هنری و نوشتاری و ممنوع کردن دسترسی به پایگاه های اینترنتی زنان و غیره ... از جمله تلاش های مذبوحانه ای است که رژیم واپسگرای ولایت فقیه برای خاموش ساختن مبارزات حق طلبانه شما در پیش گرفته است.

زنان مترقی و آزادی خواه ایران!

شما با شرکت فعال در تحولات سیاسی کشور، در دهه های اخیر، ثابت کرده اید که نیروی تعیین کننده بی در مبارزه عمومی خلق بر ضد استبداد و تاریخ اندیشی بوده و هستید. تلاش های ارزنده شما برای عمومی کردن خواسته های برابری خواهانه و حق طلبانه و بردن آگاهی جنسیتی به درون توده ها، از طریق شرکت در کارزارهای مختلف از قبیل "کمپین یک میلیون امضا" برای تغییر قوانین زن ستیز، کارزار برضد سنگسار، کارزار بر ضد اعدام نوجوانان، مبارزه بر ضد جداسازی جنسیتی، سهمیه بندی و بومی سازی دانشگاه ها برای دختران - که برای ممانعت از حضور توانمند شما در عرصه های علمی و اجتماعی و سیاسی طرح ریزی می شود- و افشای سیاست های زن ستیزانه رژیم ولایت فقیه که یکی از نمونه های بارز آن مبارزه متحد و پیگیرانه شما بر ضد لایحه ارتجاعی "حمایت خانواده" همه در جهت مبارزه متحد توده ها بر ضد استبداد و تاریخ اندیشی و برای آزادی، برابری و عدالت جنسی و طبقاتی در میهن ما است. از جمله دیگر عرصه های مهم مبارزات شما در سال گذشته تلاش های ارزنده فعالان جنبش زنان برای سازمان دهی کارزارهای ملی و بین المللی بر ضد جنگ و برای صلح است. این تلاش ها و مبارزات برحق شما از مرزهای کشور فراتر رفته است و حمایت، همبستگی و تحسین افکار عمومی جهان را برانگیخته، که اهدای جوایز متعدد به فعالان زن از جایزه نوبل گرفته تا دیگر جوایز جهانی، گواه حقانیت راه تان در نبرد دشوار پیش روی است.

زنان پیکارجوی ایران!

شما با سازماندهی تشکل های صنفی و مستقل و با هوشیاری و گزینش شیوه های مختلف مبارزه، در بردن آگاهی به میان توده های محروم زنان و گسترش آن نقش بسزائی دارید. شما با مبارزه پیگیر و متحد خود به همه نشان دادید که حق گرفتنی است و عقب نشینی های هر چند محدود رژیم از جمله در پس گرفتن برخی از مواد ارتجاعی لایحه "حمایت خانواده"، توقف یا مسکوت گذاشتن قانون سنگسار و حق ارت بردن زنان از زمین، جز با مبارزه جمعی و پیگیر شما امکان پذیر نبود. مبارزه بی امان شما برای تغییر قوانین زن ستیز و بر ضد فقر و خشونت و برای صلح مورد حمایت همه نیروهای مترقی و مردمی میهن ما است. حزب توده ایران اعتقاد عمیق دارد که جلب و جذب هرچه بیشتر زنان طبقات محروم و زحمتکش جامعه و تحکیم پیوند با جنبش کارگری و دانشجویی، جنبش زنان رادر نبرد بر ارتجاع حاکم و فشارهای فزاینده رژیم تقویت خواهد کرد.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی با اطمینان به پیروزی نهائی مبارزات حق طلبانه و برابرخواهانه شما، پیکار دیگر درودهای گرم خود را نثار شما زنان رزمنده و دلیر ایران کرده و پشتیبانی بی دریغ خود را از مبارزات برحق شما اعلام می دارد.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۸

پیام نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، به نویسندگان، شاعران، مترجمان، هنرمندان، روزنامه نگاران و خبرنگاران ایران

حزب توده ایران بر این اعتقاد است که تحولات ژرف در روابط انسانی مردم ایران و رشد اجتماعی و فرهنگی میهن، همواره از بزرگراه روشنگری و تلاش روشنگران ممکن بوده و هست. نویسندگان، شاعران، مترجمان، هنرمندان، روزنامه نگاران و خبرنگاران، که عسرت ها و تنگنا ها، ناکامی ها و کامیابی های زندگی روزمره و هستی اجتماعی، اخلاقی و روحی مردم را بازتابیده اند، و هر یک با شیوه خاص خود در رشد آگاهی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و فرارویی ذوق فردی مردم ما کوشیده اند، از پیشتازان این عرصه سرنوشت ساز بوده و هستند.

تاریخ ادب (شامل ترجمه) و هنر میهن ما - لااقل از دوران تحولاتی که منجر به فروپاشی نظام سنتی شد و آرزوی تا کنون تحقق نیافته نظامی دیگر و در مسیر عدالت خواهی و بهبود زندگی توده ها قوت گرفت - نشان دهنده تلاش پیگیر نویسندگان، شاعران، مترجمان، هنرمندان، روزنامه نگاران و خبرنگاران در مسیر عدالت خواهی و دموکراسی است. اغراق آمیز نیست اگر بگوئیم که آنها معماران روح و معنویت مردم ما و شاید بشریت بوده و هستند.

تلاش تحسین برانگیز، که همواره با احضارها و بازجویی ها، زندان ها، شکنجه ها و اعدام ها، و کم ترینش خانه نشینی و فقر و نیازمندی خود و خانواده هایشان همراه بوده و هست، بی تردید نقش تأثیر گذاری و اساسی بی در رشد و آگاهی توده ها داشته و دارد. جامعه ما از رهگذر کوشش بی وقفه آنان، که با کاهش تن و رنجش جان همراه بوده و هست، توانسته است به آن استقلال فکری و معنوی بی برسد که بتواند با جهل و خرافه و عوام فریبی و انواع و اقسام ترفند های تبلیغاتی - رسانه ای گسترده، در سطح میهن و جهان، به قصد هموار کردن راه غارت منابع ملی و استثمار هرچه بیشتر زحمتکشان و تصویب قوانین در جهت تحکیم مبانی ضد مردمی رژیم های خودکامه و ولایت فقیهی رو در رو شود و مسیر راستین منافع حال و آینده خود را بیابد. به گمان حزب توده ایران، فعالان عرصه های گوناگون فرهنگی و نویسندگی و روزنامه نگاری بر رغم تحمل انگ هایی همچون: عامل بیگانه، جاسوس، اقدام کننده علیه امنیت کشور، با وجود تحمل خوره سانسور، ممنوعیت نشر آفرینش های ادبی و هنری، با همه توقیف های فله ای نشریات - حتی در سطح نشریات صنفی، دانشجویی، و محلی - توانسته اند وظیفه روشنگری خود را در کشوری با حکومتی عوام فریب و ضد مردمی - بر رغم ژست هایی چون هدیه دادن به برخی مطبوعاتی ها - و وزیر ارشادی واپس مانده که از "رواج وپروس (!!)" اندیشه در میان روزنامه نگاران "وحشت زده و هراسان است، تا جایی که ممکن است انجام دهند.

نشست وسیع کمیته مرکزی حزب توده ایران، ضمن ابراز دین خود در بهره گیری از مجموعه اطلاع رسانی ها و روشنگری های نویسندگان، شاعران، مترجمان، هنرمندان، و به ویژه روزنامه نگاران و خبرنگاران میهن، با وجود خط قرمزها و فشارهای دد منشاانه حاکمان رژیم ولایت فقیه بر آنان، حمایت خود را از مبارزه دلیرانه و روشنگرانه آنان در گستره میهن، و تلاششان در ایجاد تشکل صنفی مستقل اعلام می دارد، و درود های پرشور خود را نثار آنان می کند.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۸

ادامه زمینه های تاریخی ...

کوهی از قرضه های بدون اعتبارات واقعی نبود. زمان پرداخت حداقلی قسط وام های مسکن (Sub-Prime Mortgage) سر می آید و صاحبخانه های مفلس که بدون در نظر گرفتن توانائی مالی و شغلی شان تشویق به وام مسکن گرفتن شده بودند یکی پس از دیگری در ابعاد میلیونی مجبور به تخلیه می شوند و نخستین تنش های بحران از بازار مسکن به بازار مالی و از بازار مالی به کل اقتصاد کشیده می شود. "اوراق قرضه تضمینی مبادله ای اعتبارات" که آنهم یکی از محصولات قانون زدایی دهه های گذشته بود، بعنوان سپر (Hedge) حفاظی سرمایه گزاران در مقابل خطر احتمالی غیر قابل وصول شدن قرضه های خریداری شده وارد بازار مالی شد. اگر چه این اوراق مبادله مالی تهاتری (Swaps) در اصل نوعی بیمه مالی بودند ولی از آنجا که این اوراق خود تبدیل به اوراق بهادار شده و در معرض خرید و فروش قرار گرفتند، هدف اصلی این فرآورده مالی جدید نیز الزاماً در بازار مبادلات مشتقات مالی مدفون شد. بدین معنا که اوراقی که با هدف بیمه کردن اوراق بهادار دیگری صادر و فروخته شده بودند، خود تبدیل به اوراق بهادار با ریسک بسیار بالائی گردیده، بازاری به ارزش پنجاه تریلیون بوجود آورد. یک چنین بازاری با چنین ابعاد ارزش مبادله ای از محصولات قانون زدایی بازار مالی امریکا است. بنابراین جای تعجبی باقی نمی گذارد که این فرآورده ی نو پس از سه دهه پول سازی از پول برای بنگاه های مالی، خود عامل سقوط آنها نگردد. از جمله این بنگاهها بیر استرن (Bear Stearns) است که حتی با حمایت مالی بانک مرکزی هم نتوانست به حیات خود ادامه دهد و مجبور شد که تمام سهام خود را که تا یکسال پیش هر یک به قیمت ۱۳۳.۲۰ دلار در بازار سهام خرید و فروش می شد به کمپانی رقیب، جی پی مورگان، هر سهم را فقط به ده دلار بفروشد.

علت های بحران اخیر میتواند گوناگون باشد و همراه با اختلاف نظرهای مهم، ولی علت اصلی آن روشن است و قطعی: سه دهه قانون زدایی. این نتیجه گیری بیشتر معنا پیدا می کند وقتی که در نیویورک تایمز می خوانیم که ریچارد گریفین (Richard Griffin) بنیان گذار صندوق خصوصی ۲۰ میلیاردی گروه سرمایه گزاران سیتدل (Citadel Investment Group) می نویسد که: "باز سازی وال استریت بدون پرداختن به قانون سازی بازار مالی امکان پذیر نیست".

اگر علت نهائی این بحران ریشه در قانون زدایی دارد راه برون رفت از آنهم لاجرم در قانون گرانی بازار مالی بخصوص بازار اعتبارات خواهد بود. تزیق پول به بازار چه از طریق چاپ اسکناس و چه از طریق باز خرید اوراق بها دار از بها افتاده شرکتهای تحت فشار مالی، تنها اقدامات اولیه برای باز کردن بازار راكد اعتبارات است. اگر این اقدامات در همین حد باقی بماند انگل زاینده بیماری در درون سیستم مالی نیز باقی خواهد ماند. شکی نیست که این انگل مجدداً در آینده ای نه چندان دور بحرانی به مراتب شدیدتری را بوجود خواهد آورد.

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده

ایران به جوانان و دانشجویان مبارز

همزمان با ۱۶ آذر روز دانشجو، روز طنین افکن شدن شعار تاریخی "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، در دانشگاه های ایران، پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران درودهای آتشین خود را به شما فرزندان دلاور توده های محروم جامعه، شما آینده سازان و مبارزان پرشور راه عدالت اجتماعی، صلح و آزادی نثار می کند.

جنبش دانشجویی همواره در طول حیات خود در صف مقدم مبارزه بر ضد امپریالیسم، ارتجاع و استبداد قرار داشته و در این راه کارنامه ای درخشان، که با خون مبارزان جوان رنگین شده، از خود باقی گذارده است.

نام گذاری ۱۶ آذر به نام روز دانشجو و طنین شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی" گواه روشن بر پیوند و ارتباط سرشتی و ناگسستگی جنبش دانشجویی با مبارزات سراسری و نقش تاثیر گذار و غیر قابل انکار آن در مجموعه تحولات چند دهه اخیر میهن ما است.

استبداد و ارتجاع حاکم با علم به این نقش جدی و موثر است که در سال های اخیر انواع توطئه ها را بر ضد جوانان مبارز و جنبش دانشجویی طراحی و پیاده کرده اند. در طول ۲ سال اخیر ارتجاع حاکم با اعمال فشارهای سیستماتیک و با استفاده از روش های گوناگون از جمله احضار به کمیته های انضباطی، محرومیت از ادامه تحصیل فعالان دانشجویی، نصب دوربین های مدار بسته در دانشگاه ها، نصب دروازه های امنیتی در ورودی اصلی دانشگاه تهران، اخراج و تعلیق ترم های تحصیلی، جدا سازی جنسیتی، سهمیه بندی قومی در آزمون سراسری، دستگیری و محاکمه و زندان و شکنجه و ایجاد تفرقه در صفوف جنبش دانشجویی، سعی کرده اند این جنبش موثر اجتماعی را با دشواری های روز افزونی مواجه ساخته و سرانجام به زعم خود نابود سازد.

رژیم ولایت فقیه که تاثیر جدی جنبش دانشجویی را در حوادث اخیر کشور به ویژه رخداد بزرگ دوم خرداد و شکست نماینده ارتجاع را تجربه کرده، با روی کار آوردن دولت ضد ملی احمدی نژاد و اتخاذ سیاست های کوشیده و می کوشد جنبش دانشجویی را به انزوا کشانده و پیوند آن را با دیگر گردان های اجتماعی نظیر جنبش کارگری و زنان تضعیف و از میزان تاثیر گذاری آن در جامعه و مبارزات ضد استبدادی کنونی بکاهد.

جوانان و دانشجویان!

در اوضاع کنونی و با توجه به صحنه بفرنج سیاسی کشور و یورش های هدفمند ارتجاع حاکم به جنبش دانشجویی، حفظ هوشیاری و گریز از دام ها و توطئه واپس گرایان یک ضرورت اساسی و غیر قابل چشم پوشی به شمار می آید. رژیم واپس مانده ولایت فقیه می کوشد توان و نیروی جنبش دانشجویی را به تحلیل برده و مانع حضور فعال آن در تحولات کشور گردد از این رو حفظ هوشیاری، تقویت روحیه رزمندگی و ایستادگی متناسب با توان و ظرفیت جنبش دانشجویی و تحکیم پیوند آن با مبارزات سراسری و پرهیز از تفرقه و پراکندگی از زمره اولویت های اصلی در لحظه دشوار کنونی محسوب می شوند.

اوضاع کنونی وظایف خطیری را بردوش جوانان و دانشجویان قرار داده است. جنبش دانشجویی در مبارزه سرنوشت ساز بر ضد ارتجاع و استبداد یک نیروی موثر و کارآمد اجتماعی است که ضمن تقویت صفوف خود می باید دوشادوش جنبش مردمی و به همراه آن تمام نیرو و امکانات خود را بر ضد استبداد و ارتجاع تجهیز و سازماندهی نماید.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران با حمایت از جنبش دانشجویی کشور، اعتماد عمیق حزب توده ایران بر این امر را که جوانان و جنبش دانشجویی از گردان های موثر جنبش مردمی و از اجزای جدایی ناپذیر جبهه واحد ضد دیکتاتوری است، مورد تاکید قرار می دهد و به مبارزه قهرمانانه و دلاورانه جوانان و دانشجویان به دیده تحسین نگریسته و به آن درود می فرستد!

درود آتشین به جنبش دانشجویی ایران!

افتخار جاوید به جان باختگان جنبش دانشجویی!

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات کارگران و زنان مبارز!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۸



آزادی برای همه دانشجویان در بند!

نقش اصلی را در خون ریزی و برادرکشی برعهده داشت و به همین علت به فرماندهی سپاه پاسداران منطقه ۵ یعنی آذربایجان شرقی و غربی منصوب گردید و پس از آن با طی مدارج، مسئول تحقیق و بازرسی کل سپاه پاسداران، فرمانده لشکر ویژه سپاه (لشکر ۶)، معاون طرح و برنامه ریزی وزارت دفاع و مجری پروژه های مختلف عمرانی و صنعتی در فرارگاه خاتم الانبیاء سپاه و پس از آن دبیر شورای مشورتی مجمع تشخیص مصلحت نظام، عضو دبیر خانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و مشاور رییس جمهور بوده است و در عین حال با حمایت ارگان های حکومتی در خرید و فروش زمین، برج سازی، دلالی فروش نفت، حضور در اسکله های غیر مجاز و وارد کردن کالاهای خارجی بسیار فعال بوده و هست. وی به تصریح مطبوعات داخل کشور از جمله آن تعداد معدودی از وابستگان رژیم است که نام آنها در لیست وام گیرندگان کلان مطرح شده و تاکنون بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان وام از سیستم بانکی دریافت کرده است. روزنامه اعتماد ۲۲ آبان ماه در گزارشی با عنوان "وزیر پیشنهادی کشور در مورد پرونده های مالی اش توضیح داد، روز سخت محصولی در مجلس" از جمله نوشت: "در حالی که برخی نمایندگان "رایحه خوش" خدمت (حامیان احمدی نژاد در مجلس هشتم) در یک هفته اخیر با گفتگوهای چهره به چهره خود با نمایندگان سعی داشتند اعضای کمیته بررسی پرونده های مالی محصولی را متقاعد کنند که به این حواشی پایان دهند اما گویا با بی نتیجه ماندن این تلاش ها، محصولی خود ترجیح داد به کمیسیون امنیت ملی مجلس برود و در مورد آنچه سه پرونده اصلی (توجه کنید سه پرونده اصلی) مالی وی از سوی نمایندگان خوانده می شود، توضیح دهد."

خبرنگار روزنامه اعتماد این سه پرونده اصلی در میان ده ها پرونده حیف و میل و چپاول ثروت ملی را اینگونه نام می برد: "پرونده مزایده قرارداد سوآپ نفت در زمان حضور محصولی در استانداری آذربایجان غربی، پرونده خرید زمین برای سپاه که در قوه قضاییه وجود دارد و وجود نام محصولی در لیست وام گیرندگان کلان با حداقل ۴۰۰ میلیارد تومان وام."

در ارتباط با پرونده چگونگی مزایده قرارداد سوآپ نفت با دولت باکو، در منطقه نخجوان، روزنامه "اعتماد"، ۲۲ آبان ماه، از قول نمایندگان مجلس هشتم نوشت: "برخی از نمایندگان عنوان می کنند بخش وسیعی از ثروت آقای محصولی از طریق مزایده قرارداد سوآپ یعنی قرارداد فروش نفت به نخجوان به دست آمده است و آقای محصولی با اتکا با رانت دولتی در این مزایده برنده شده بود."

در عین حال برخی از نمایندگان وابسته به جناح موسوم به تحول خواه ارتجاع حاکم خواستار ارایه گزارش رسمی بانک مرکزی و یا گزارش رییس کل بانک مرکزی در خصوص اسامی وام گیرندگان کلان و صحت و سقم وام حداقل ۴۰۰ میلیارد تومانی صادق محصولی هستند. ولی در مقابل هیات رییس مجلس و هواداران دولت احمدی نژاد اعلام کرده اند. بهتر است مجلس وارد چالش جدید با دولت نشود.

دقیقا در راستای چنین موضعی نمایندگان "رایحه خوش" خدمت و حامیان احمدی نژاد در مجلس هشتم خطاب به برخی مخالفان با صراحت خاطر نشان می ساختند: "چرا برخی از نمایندگان به این نکته توجهی نمی کنند که در زمان اجرای اصل ۴۴ و خصوصی سازی هستیم و نباید کسی را به خاطر سرمایه دار بودن مورد اتهام قرار داد."

گرایش پاسدار رانت خوار و یا سردار میلیاردی در دولت مدعی عدالت محوری، به نوبه خود ماهیت سپاه و ضد مردمی دولت احمدی نژاد را نشان داده و نقاب از چهره نیرنگ باز آن در برابر افکار عمومی و توده های محروم جامعه، برداشته و عوام فربیی آن را افشاء می سازد!

بوروکراتیک نوین ایران دارند. صادق محصولی فعالیت خود را از جهاد سازندگی آغاز کرد و سپس روانه سپاه پاسداران شد. در مقام یک پاسدار بلافاصله به فرمانداری شهرستان ارومیه گمارده شد و در اندک زمانی به سمت معاون استانداری آذربایجان غربی تعیین شد و در حوادث ابتدای انقلاب، در مناطق کردستان،

همراه با عنصری چون ملاحسنی و قالیباف



سردار پاسدار یا نوکیسه ای با ثروت باد آورده!

*نمایندگان حامی دولت احمدی نژاد در مجلس هشتم: "چرا برخی از نمایندگان به این نکته توجه نمی کنند که در زمان اجرای اصل ۴۴ و خصوصی سازی هستیم و نباید کسی (صادق محصولی) را به خاطر سرمایه دار بودن مورد اتهام قرار داد." (به نقل از روزنامه اعتماد ۲۲ آبان ۱۳۸۷)

پس از استیضاح علی کردان، محمود احمدی نژاد، رییس دولت نهم، در اقدامی کاملاً حساب شده و هدفمند، صادق محصولی، مشاور ارشد خود، را برای تصدی وزارت کشور تعیین کرد. احمدی نژاد با معرفی محصولی که از او به عنوان "سردار میلیاردی" و "پاسدار رانت خوار" نام برده می شود، تلاش دارد با یک مانور سیاسی در میان جناح های طیف ارتجاع حاکم موقعیت لطمه دیده خود را ترمیم کرده و در آستانه انتخابات ریاست جمهوری دهم تسلط خود بر وزارت کشور را به عنوان یکی از وزارتخانه های کلیدی و تاثیرگذار از دست ندهد. اما در این میان و در گرماگرم رویارویی جناح های مختلف طیف ارتجاع حاکم، معرفی صادق محصولی با توجه به اینکه یک بار نیز برای تصدی وزارت نفت آماده شده بود اما با مخالفت نمایندگان مجلس هفتم منصرف گردید. پرسش های جدی مطرح می گردد. پاسدار صادق محصولی یکی از میلیاردی های کنونی جمهوری اسلامی و یا بهتر گفته باشیم نوکیسه ها و تازه به دوران رسیده های رژیم ولایت فقیه است که ثروت و قدرت خود را از راه رانت خواری، و چپاول و حیف و میل ثروت عمومی به چنگ آورده اند.

سابقه و پیشینه این پاسدار، به خودی خود بیانگر شکل گیری و پیدایش آن لایه های انگلی طبقه سرمایه دار ایران است که اکنون توسط دولت احمدی نژاد حمایت می شوند و از سویی به مراکز نظامی و ویژه سپاه پاسداران مرتبط هستند و از دیگر سو پیوندهای مستحکمی با سرمایه بزرگ تجاری و سرمایه

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

دلالتان و واسطه ها در خدمت شرکت های خارجی

نقش مخرب سرمایه بزرگ تجاری در اقتصاد کشور و یکه تازی تجار عمده و دلالتان و واسطه ها که نبض اقتصادی و مالی را در دست دارند، پیامدهای ناگوار جدی به دنبال داشته و دارد. نابودی بنیه تولیدی در دو عرصه پراهمیت صنعت و کشاورزی و ژرفش وابستگی کشور به امپریالیسم از زمره این پیامدها است. در بخش کشاورزی در چند سال اخیر با تقویت نقش بزرگ زمین داران و فعالیت پر تب و تاب دلالتان و واسطه ها بسیاری از تولیدات کشاورزی که در بازارهای جهانی نیز مقام و جایگاهی داشتند، سیر نزولی طی کرده و محصول ایرانی به دلیل سیاست های ضد مردمی رژیم ولایت فقیه و سودجویی ممتدی دلال بزرگ مغلوب محصولات مشابه خارجی شده است. یکی از آخرین نمونه ها، ماجرای افزایش قیمت زعفران است که در مطبوعات داخلی از آن به عنوان "ماجراهای پشت پرده افزایش قیمت زعفران" نام برده می شود. از اوایل پاییز امسال ناگهان قیمت زعفران ایران افزایش چشمگیر و جهشی پیدا کرد به شکلی که رییس هیات مدیره صندوق توسعه صادرات زعفران ایران اعلام داشت: "قیمت هر کیلو زعفران از ۱ میلیون و ۸۵۰ هزار تومان به بیش از ۳ میلیون طی چند روز رسیده است و این وضعیت غیر عادی بازارهای صادراتی زعفران ایران را تهدید می کند".

ماجرای این قرار است که چند دلال عمده بازار زعفران با افزایش قیمت این محصول، در صدد هستند بازار داخلی را با بحران مواجه سازند و با جلوگیری از فعالیت واحدهای بسته بندی زعفران در داخل کشور، که قادر نیستند زعفران به قیمت بیش از ۳ میلیون تومان را خریداری کرده و سپس به دست مشتریان داخلی و خارجی برسانند، محصول فوق را بصورت فله ای به اسپانیا و اروپا و آمریکا (صادرات به آمریکا از طریق دومی صورت می گیرد) بدون اشاره به ایرانی بودن آن صادر کنند.

در این باره روزنامه کارگزاران ۱۳ آبان ماه نوشت: "بازی جدید واسطه ها زعفران را با بیش از ۳۵ درصد افزایش قیمت به بالاتر از ۳ میلیون تومان در هر کیلو رساند. بسیاری از صادر کنندگان بر این باورند که گرانی کاذب زعفران در بازار داخلی، برای فروش ارزان آن به شرکت های خارجی به صورت فله ای است."

در همین خصوص رییس هیات مدیره صندوق توسعه صادرات زعفران ایران به خبرگزاری مهر ۱۲ آبان ماه گفت: "کشاورزان ناراضی هستند و از تولید خود سود نمی برند، امسال تولید زعفران ۳۰ درصد کاهش یافته و در حدود ۱۰۰ تن است. متأسفانه حضور واسطه ها و دلالتان در بازار زعفران ایران و فروش خام و فله ای آن از سوی گروهی از تجار و دلالتان به اسپانیا و امارات متحده، لطمات جدی به بازارهای صادراتی ایران وارد می کند و در این شرایط کشاورزان فقیرتر و تولید کنندگان به شدت نگران تعطیلی واحدهای بسته بندی و افزایش تقلب به خصوص در این بازارها هستند."

وی سپس متذکر گردید: "واسطه ها با گرانی در بازار داخلی، محصول زعفران ایران را ارزان تر از قیمت جهانی به اسپانیا و امارات متحده عربی به صورت فله ای می فروشند و اسپانیا این محصول را با بسته بندی خود و به نام اسپانیا به بازار جهانی عرضه می کند و سالیانه سودهای میلیون دلاری کسب می کند."

ماجرای اخیر گرانی کاذب محصول زعفران بار دیگر نقش مخرب دلالتان و دولت حامی آنها را هویدا می سازد. اقتصاد غیر مولد و انگلی و حضور پررنگ و بسیار عمیق تجار عمده و دلالتان بزرگ در اقتصاد کشور، خطری نیست که بتوان بر آن چشم بست!

شبکه توزیع کشور در چنگال سرمایه بزرگ تجاری است

گرانی کمر شکن کالاها و خدمات عمومی نارضایتی گسترده اجتماعی را سبب گردیده و به این علت دولت احمدی نژاد و نیز مجلس هشتم می کوشند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده و مسئله را به عوامل خارجی، تورم جهانی و جز اینها نسبت دهند. به علاوه در هفته های اخیر و با هدف فریب مردم جان به لب رسیده از گرانی و تورم افسار گسیخته، طرح های متعددی برای سامان دهی قیمت ها و تنظیم شبکه های توزیع در سراسر کشور در روزنامه ها و پایگاه های خبری انتشار می یابد. بطور مثال معاون بازرگانی داخلی وزارت بازرگانی از تدوین طرح ساماندهی شبکه پخش و توزیع در اواسط فصل پاییز خبر داده است.

در این خصوص ایران اکونومیست اواسط مهرماه امسال در گزارشی خاطر نشان ساخت: "اجرای آزمایشی طرح ساماندهی شبکه های بخش (توزیع)، معاون وزارت بازرگانی از اجرای طرح آزمایشی ساماندهی شبکه پخش (توزیع) از اول آبان ماه سال جاری خیرداد، مفتوح در خصوص اقدامات صورت گرفته برای رتبه بندی اصناف گفت، ۷۰ درصد اصناف کشور، کارت (کارت ویژه اصناف) گرفته اند و تا پایان سال جاری تمام صنوف کارت دریافت می کنند. براساس اقدامات صورت گرفته و جلسات برگزار شده، ساماندهی شبکه پخش (توزیع) بصورت پایلوت از اول آبان ماه در تهران سه شرکت پخش (توزیع) شناسنامه دار آغاز به کار می کنند. مردم و اصناف از برگزاری نمایشگاه عرضه مستقیم کالا در ماه رمضان بسیار راضی بودند. در ۷۰ درصد استان ها به دلیل استقبال مردم نمایشگاه ها تمدید شد و این نمایشگاه ها توانست تاثیر بسیار مثبتی در کنترل قیمت ها و تنظیم بازار در ماه رمضان داشته باشد چرا که اگر این نمایشگاه ها برگزار نمی شد، شاهد افزایش قیمت شدید کالاها بودیم."

برخلاف اینگونه تبلیغات روند افزایش قیمت ها به ویژه قیمت مواد غذایی در طول ماه رمضان ادامه داشت. اصولاً با وضعیت کنونی و بدون تدوین برنامه ای جامع نمی توان شبکه توزیع کشور را که در چنگال سرمایه بزرگ تجاری قرار دارد، سامان داد و به مبارزه با گرانی و احتکار برخاست.

سرمایه بزرگ تجاری ایران از راه شبکه وسیعی از عمده فروشان و دلالتان و واسطه ها و بنیادهای انگلی که به دور خود گرد آورده، از نظر نفوذ در قشر عظیم بیش از ۱۵۰ هزار واحد صنفی که از جهت توزیع کالا بدان وابسته هستند، کنترل بازار و تنظیم قیمت ها را به سود خود و به زیان مردم در دست دارد. شورای اصناف انجمن های اسلامی بازار، کمیته امداد خمینی و بنیادهای انگلی اهرم های سرمایه بزرگ تجاری برای تسلط بر شاهرگ توزیع کشور است.

اهرم های پولی، گرانی، احتکار، سودجویی همه به قدرت این بخش سرمایه داری ایران برای تسلط بیشتر بر حیات سیاسی-اقتصادی یاری می رساند. در سال های اخیر نیز دولت احمدی نژاد با واردات گسترده و سیل آسا از خارج بر توان سرمایه بزرگ تجاری و سلطه آن بر شبکه توزیع سراسر کشور بسی افزوده است.

تدوین یک برنامه ملی و مبتنی بر تقویت تولید داخلی، ملی کردن بازرگانی خارجی بصورت واقعی و نه در حرف و ایجاد بخش دولتی و تعاونی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمت ها و جلوگیری از غارت سرمایه بزرگ تجاری، دلالتان و محتکران و تجار عمده است. با شعار و عوام فریبی نمی توان شبکه توزیع کشور را بازسازی، سالم سازی و در خدمت منافع اکثریت جامعه قرارداد!

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به مردم ایران

مردم هشیار ایران!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران گرم ترین دروذهای صمیمانه خود را به شما مردم شرافتمند و زحمتکش ایران تقدیم می دارد.

نشست وسیع کمیته مرکزی در شرایط دشوار و بحرانی حاکم بر میهن برگزار شد. تبعات سیاست های ضد مردمی، ضد ملی و غارتگرانه رژیم ولایت فقیه مردم زحمتکش کشور را با یکی از دشوار ترین شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی دوران معاصر رو به رو ساخته است.

میلیون ها ایرانی در معرض فشارهای کمر شکن اقتصادی از تامین اساسی ترین امکانات زندگی محرومند. ستم مضاعف ناشی از سیاست های ارتجاعی نسبت به اقلیت های ملی، شرایط جهانی برای این بخش از مردم میهن ما ایجاد کرده است. سیاست ضد فرهنگی، عقب ماندگی سیستم آموزشی کشور، عدم دسترسی گروه کثیری از هم وطنان ما به ابتدائی ترین امکانات بهداشتی، افزایش بی سابقه بیکاری، تورم، گرانی، گسترش فساد در دستگاه های دولتی، و به طور کلی وضع نامناسب اقتصادی ناشی از سیاست تخریب توان اقتصادی - انسانی میهن توسط رژیم، زندگی را برای میلیون ها انسان در کشور ما غیرقابل تحمل کرده است.

نزدیک به چهار سال پیش، احمدی نژاد، نامزد منتخب ارتجاعی ترین جناح رژیم "ولایت فقیه"، در جریان انتخاباتی پر تقلب و با پشتیبانی نیروهای سپاه، و در شرایط سیاسی دشوار حاکم بر جامعه پس از ۸ سال حاکمیت نیروهای اصلاح طلب، بر مسند قدرت نشست. احمدی نژاد که با شعارهای عوام فریبانه ی "پول نفت بر سر سفره مردم"، "رسیدگی به وضع محرومان" و "کاهش فاصله نجومی بین فقر و ثروت"، کارزار انتخاباتی خود را برگزار کرد، در عمل با اتخاذ سیاست های مخرب و ارتجاعی خود، فقر فزاینده، نابسامانی اجتماعی، عدم ثبات و اختناق را بر کشور حاکم کرده است.

در شرایطی که در آمد های نفتی در سال های اخیر نزدیک به رکورد بی سابقه بیش از ۹۰ میلیارد دلار بوده است، بر اساس آمار منتشره از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی و وزارت اقتصاد و دارایی در سال ۱۳۸۶، بیش از ۳۵ درصد مردم میهن مان در زیر خط فقر زندگی می کنند. بر اساس آمار سازمان ملل، نرخ رشد فقر در ایران ۱۸ درصد است و این به مفهوم کشیده شدن فزاینده تعداد کثیر دیگری از هم میهنان مان به چنگال فقر و محرومیت است. در ایران امروزه بیش از ۱۵ میلیون نفر قادر نیستند حداقل مایحتاج زندگی خود را تامین کنند.

سیاست های فاجعه بار دولت احمدی نژاد، سبب رشد بیکاری، گرانی فزاینده، به تعطیلی کشیده شدن واحد های تولیدی و تورم لجام گسیخته در کشور شده است، که به نوبه خود افزایش فاجعه بار ناهنجاری های اجتماعی چون بزهکاری، اعتیاد و فحشا را به همراه داشته است.

در کنار این تبعات طبیعی سیاست های اقتصادی - اجتماعی رژیم ارتجاعی حاکم، یورش بی رحمانه و خشن نیروهای سرکوب گر رژیم به فعالان سندیکایی و کارگری، جنبش زنان، فعالان دانشجویی، "غیر قانونی" اعلام کردن فله ای روزنامه ها و نشریات کشور و تهدید و ارباب فعالان سیاسی و اجتماعی، جو اختناق را در کشور به حداکثر رسانده است.

در عرصه بین المللی نیز دولت احمدی نژاد، تحت نظارت و با حمایت کامل ولی فقیه، با اتخاذ سیاست های جنجال برانگیز، کشور را در بحران بین المللی بسیار عمیق قرار داده است.

دولت احمدی نژاد به جای اتخاذ سیاست های استوار بر گفت و گو ها و تبادل نظرهای بین المللی برای دفاع از حقوق طبیعی میهن که در مقاله نامه های بین المللی به رسمیت شناخته شده است، و حل مسایل از طریق جلب حمایت های بین المللی و بر مبنای رفع تشنج، سیاست های مبتنی بر تهدید های نظامی و سیاسی را در پیش گرفته است. این امر با توجه به حضور صدها هزار نیروی نظامی آمریکا در عراق و نیروی نظامی ناتو در افغانستان و حضور ناوگان های آمریکایی در خلیج فارس، تنها می تواند منافع ملی میهن مان را به خطر بیندازد.

هم میهنان مبارز!

بحران مالی - اقتصادی حاکم و بن بست سیاسی کشور، رشد فقر و بیکاری و تحدید آزادی های اجتماعی و سیاسی، نتیجه مستقیم سیاست های دیکته شده از سوی ولی فقیه رژیم است که بر اساس آن قدرت تصمیم گیری های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کف ارتجاعی ترین لایه های اجتماعی و نمایندگان سرمایه داری تجاری و نیروهای سرکوبگر و وابستگان آن ها قرار گرفته است. این حقیقت که در سال های اخیر سپاه پاسداران و فرماندهان آن نقشی جدی تر و روز افزون در اداره کشور به دست گرفته اند و تصویب اصلاحیه مبنی بر حق نامزد شدن فرماندهان نظامی در انتخابات ریاست جمهوری در مجلس، را باید نشانه هایی جدی از قدرت گیری بی سابقه جناحی از بورژوازی بوروکراتیک - نظامی نواخته دانست که حاضر است برای ماندن در قدرت به هر ماجراجویی دست بیازد. در ایران امروز گروهی سکان هدایت کشور را در شرایط به غایت پیچیده و حساس به دست گرفته اند، که تنها هم و غم خود را متوجه حفاظت از حاکمیت ارتجاعیون حاکم، "اسلامی کردن" همه عرصه های حیات اجتماعی کرده اند.

هم میهنان گرامی!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران معتقد است که تنها راه دگرگون کردن این شرایط دشوار و غیر انسانی، جایگزینی رژیم "ولایت فقیه" با یک حکومت ائتلاف ملی با شرکت همه نیروهای آزادیخواه است. ما معتقدیم که می توان با تشدید و گسترش مبارزه اجتماعی و سیاسی، رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. کم نیستند نیروهایی در درون جامعه ما و حتی پیرامون حاکمیت کنونی، که خواهان دگرگونی شرایط موجود اند.

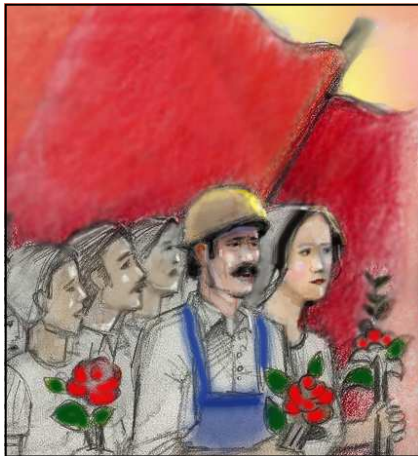
برای نجات میهن از خطرهای داخلی و خارجی ای که آن را تهدید می کند، اتحاد عمل تمامی نیروهای مترقی، تحول طلب و ضد استبدادی کشور ضروری است. باید از اشتباهات گذشته درس گرفت و با توافق برسر شعار های واحد مبارزاتی، راه را برای شکست دولت احمدی نژاد و سیاست های رژیم "ولایت فقیه" باز کرده و مسیر تحولات مثبت به سود جنبش مردمی کشورمان را هموار کرد.

حزب ما طی نزدیک به هفت دهه حیات خود، همواره در کنار مردم برای منافع زحمتکشان و منافع میهن ما رزمیده است. توده ای ها هیچ گاه در دشوارترین شرایط از مبارزه در راه دفاع از آزادی و رفاه مردم ایران دست نکشیده اند. ما با اتکاء به خوشبینی تاریخی و تجربیات گرانمای سال های اخیر، معتقدیم که دوران این حکومت استبدادی نیز به سر خواهد آمد و مردم میهن خواهند توانست ایران آزاد، آباد و پیشرفته فردا را با دست های توانمند خود بنا کنند.

**پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران بر ضد رژیم
استبدادی حاکم!**

**با هم، در راه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری،
برای آزادی، صلح، عدالت اجتماعی و طرد رژیم
"ولایت فقیه"!**

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذر ماه ۱۳۸۷



با برنامه هایی چون طرح "تحول اقتصادی"، خصوصی سازی بر پایه ابلاغیه اصل ۴۴ مخالف بود، و مجریان و هواداران آن به ویژه جناح ارتجاع حاکم را در تقابل با خود ارزیابی می کنند.

کارگران و زحمتکشان!

ادامه سیاست های نولیبرالی و مبتنی بر فرامین صندوق بین المللی پول و بانک جهانی همانند طرح تحول اقتصادی، در شرایط کنونی جهانی که بحران اقتصادی شکست کامل این سیاست ها و رسوایی مبلغان این نوع نظرات را بیش از پیش آشکار ساخته، به شدت به زیان حقوق و منافع مجموعه مزدبگیران کشور است و ماهیت واقعی جریانات تاریک اندیش و مردم ستیزی چو دولت احمدی نژاد و همه جناح های طیف ارتجاع حاکم را برملا می سازد.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران با توجه به تحولات کشور و ضرورت مبارزه متحد با ارتجاع حاکم، ضمن پشتیبانی از خواست های به حق صنفی-رفاهی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان، تشدید مبارزه با مرتجعان و عقیم ساختن توطئه های آن را در پرتو اتحاد عمل همه نیروهای راستین راه آزادی و عدالت اجتماعی، وظیفه مبرم و عاجل در لحظه کنونی ارزیابی کرده و از این رو ارتقاء سطح سازماندهی و تقویت همبستگی در صفوف جنبش کارگری-سندیکایی و پرهیز از تفرقه و پراکندگی در این جنبش پرتوان را حائز اهمیت قلمداد می کند.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی، گرم ترین درودهای خود را به فعالان سندیکایی، مبارزان دربند سندیکالیست که با وجود اوضاع نامساعد پیگیرانه در سنگر دفاع از حقوق زحمتکشان پیکار می کنند، تقدیم می دارد، توده ای ها همچون همیشه در کنار توده های کار و زحمت، پیگیر و خستگی ناپذیر به مبارزه ادامه خواهند داد!

درد پرشور بر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان ایران!
درد بر مبارزان در بند جنبش سندیکایی زحمتکشان ایران!

پیروز باد مبارز کارگران و زحمتکشان در راه احیای حقوق سندیکایی!

برقرار باد جبهه واحد ضد دیکتاتوری!
استوار باد پیوند زحمتکشان جهان!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران
آذرماه ۱۳۷۸

پیام پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران و زحمتکشان

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران، درودهای گرم و پرشور خود را به شما کارگران و زحمتکشان که بار اصلی معضلات اقتصادی-اجتماعی را بردوش می کشید و با وجود همه دشواری های متعدد به مبارزه در راه تامین عدالت اجتماعی، آزادی و نفی و طرد استبداد و ارتجاع ادامه می دهید، تقدیم می کند.

طی سال های اخیر، هیچگاه وضعیت کار و زندگی کارگران و زحمتکشان تا به این درجه وخیم نبوده است، از یک سو گرانی و تورم فزاینده قدرت خرید و سطح زندگی میلیون ها زحمتکش را کاهش داده و از سوی دیگر اخراج های گسترده به اشکال مختلف امنیت شغلی میلیون ها مزد بگیر را نابود ساخته است.

رواج قرار دادهای موقت، خروج کارگاه های زیرده نفر از شمول قانون کار، خصوصی سازی افسار گسیخته و دستمزدهای پایین تر از نرخ واقعی تورم و موانع متعدد در راه احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل، چنان اوضاعی را پدید آورده که طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان برای رهایی از آن راهی جز مقاومت و مبارزه ندارند. دولت کارگر ستیز احمدی نژاد که از زمره مسببان این وضعیت قلمداد می شود، با اعلام اجرای طرح "تحول اقتصادی" زندگی و امنیت شغلی زحمتکشان را نشانه گرفته و به پیروی از نسخه های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی درصد تغییر و اصلاح قانون کار به سود کلان سرمایه داران است.

بی جهت نیست که در پیش نویس لایحه "هدفمند کردن" یارانه ها حذف ماده ۴۱ قانون کار مبنی بر تعیین حداقل حقوق و افزایش دستمزد کارگران گنجانده شده است و دولت احمدی نژاد اجرای سریع آن را طلب می کند و یا مجمع تشخیص مصلحت نظام در چارچوب اجرایی کردن ابلاغیه اصل ۴۴ بندی را به ماده ۱۲۱ قانون کار افزوده است که در مغایرت کامل با حق امنیت شغلی کارگران قرار دارد و امکان اخراج تحت عنوان تعدیل نیروی انسانی را به کلان سرمایه داران می بخشد.

در چنین اوضاع دشواری مبارزه شما زحمتکشان برای نیل به حقوق به حق سیاسی و صنفی از اهمیت دو چندان برخوردار است.

مبارزه دلیرانه و خستگی ناپذیر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان بخش اصلی و جدایی ناپذیر مبارزه جنبش مردمی برضد استبداد و ارتجاع حاکم است، طبقه کارگر همواره به عنوان ستون فقرات جنبش سراسری دموکراتیک و آزادیخواهانه مردم در ژرفش و گسترش این مبارزات نقش تعیین کننده داشته و دارد. در اوضاع حساس کنونی میهن ما و درآستانه انتخابات آینده ریاست جمهوری نیز جنبش پرتوان کارگری در به شکست کشاندن ارتجاع حاکم و ناکام گذاردن توطئه های آن وظایف خطیری را بر دوش دارد.

کارگران و زحمتکشان میهن ما برای احیا و ایجاد سندیکاهای مستقل و حق برخورداری از تشکل های صنفی و تامین حقوق بنیادین کار، با سیاست های دولت ضد مردمی احمدی نژاد و به طور کلی سمت گیری اقتصادی-اجتماعی رژیم مبارزه می کنند و به همین علت نیز

جدایی نیروهای سیاسی آزادی خواه از یکدیگر، بی توجهی به نیاز مبرم جنبش برای ایجاد یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری با برنامه سیاسی مشخص برای دگرگونی شیوه اداره امور کشور، و کم توجهی به نیاز هر چه بیشتر انسجام یافتن جنبش اصلاح طلبی، می تواند عواقب دردناک و فاجعه باری را برای میهن ما به همراه داشته است.

در آستانه شصتمین سالگرد تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر حزب توده ایران همه نیروهای سیاسی آزادیخواه، دموکراتیک و تحول طلب کشور را فرا می خواند که به انتظار تاریخی مردم ستم دیده میهن در تدارک جبهه متحد ضد دیکتاتوری برای رهنسیدن میهن از چنگ دیکتاتوری پاسخ مثبت دهند. این مهم فقط با غالب آمدن بر پیشداوری ها و سوء برداشت ها، و کنار زدن تمامی موانع مصنوعی بر سر راه اقدام متحد، که ریشه در تبلیغات دشمنان خلق و حاکمیت تاریک اندیشان و توطئه های رسوای نیرو های ارتجاعی دارند، ممکن می شود. حزب توده ایران در اینجا لازم می داند که نسبت به کوشش های مسمومی که اخیراً برای ایجاد تفرقه و بدبینی بین طرفداران حزب توده ایران و نیروهای ملی از طریق بازخوانی هدفمند تاریخ جنبش ملی شدن نفت در سال های اول دهه ۱۳۳۰ در جریان است، هشدار بدهد. به باور ما این کوشش نه دفاع از حزب و سیاست های آن، بلکه دامن زدن به جو جدائی، تفرقه و خصومت بین نیروهایی است که اتحاد عمل آنها در شرایط کنونی مبارزه ضرورت تاریخی است.

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران بر این باور است که در این پیکار سرنوشت ساز، باید با الهام از آزمون های وحدت گرایانه توده های خلق که در حد اعلا هی هوشیاری به نمایش گذارده شده است، دوش به دوش و همگام، بدور از خود محور بینی ها، با واقع بینی و سعه صدر و در پذیرش و تحمل یکدیگر، در یک صف متحد، به تلاش ها و مجاهدت های خویش برای شکست ارتجاع و استبداد ادامه دهیم. انتظار مردم از ما چنین است! به این انتظار باید پاسخ مثبت داده شود.

پیروز باد مبارزه مشترک همه نیروهای آزادی خواه

برای طرد رژیم ولایت فقیه!

پیروز باد مبارزه قهرمانانه مردم ایران بر ضد رژیم

استبدادی حاکم!

با هم، در راه تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری، برای

آزادی، صلح، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه"!

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران

آذر ماه ۱۳۸۷

پیام به همه نیروهای سیاسی آزادی خواه، تحول طلب و هوادار دموکراسی در ایران

پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران در ده های گرم خود را به همه نیروهای سیاسی ملی، مترقی و مدافع دموکراسی که پرچم مبارزه با تمامیت گرایی و ارتجاع حاکم را برافراشته نگهداشته اند، تقدیم می دارد. پلنوم (وسیع) کمیته مرکزی حزب توده ایران با احترام به مبارزات شما بر ضد استبداد و تاریک اندیشی می نگردد و به آن ارج می گذارد.

نمایندگان شرکت کننده در پلنوم بر پایه تحلیل شرایط بحرانی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که کشور را فرا گرفته است، و ضرورت گشایشی در خور، در مسیر مبارزات مردم میهن برای رهایی از بختک رژیم "ولایت فقیه"، که با زیرپای گذاردن بدیهی ترین اصول انسانی، اجتماعی و اخلاقی، جهنمی را برای مردم کشور ما ایجاد کرده است، برداشتن گام های عملی لازم برای سازماندهی مبارزه مشترک همه نیرو های آزادیخواه و تحول طلب جامعه را ضروری دانستند.

امروز صف وسیعی از آزادی خواهان، از نیروهای ملی و مذهبی تا معتقدان به سوسیالیسم، خواهان پایان یافتن انحصار قدرت و استبداد، و حرکت جامعه به سمت استقرار یک حکومت مردمی و متکی بر آرای مردم اند. ما بر این باوریم که بر خلاف تبلیغ های دروغین "ولی فقیه" و انصارش، صف های ایجاد شده در جامعه نه میان "خودی و غیر خودی"، بلکه بین سر سپردگان و عمال استبداد از طرفی، و گردان های جنبش مردمی و نیز نیروهائی که در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی می رزمند، از طرف دیگر است. امروز زندان های رژیم "ولایت فقیه"، هم شکنجه گاه زندانیان سیاسی دگراندیش، ملی، دموکرات، معتقد به سوسیالیسم است، و هم محبس نیروهای مذهبی دگراندیش. در سیاهچال ها و شکنجه گاه های رژیم "ولایت" است که از جمله می توان مرزهای واقعی صف خلق و ضد خلق را مشاهده کرد.

تلاش سرکوبگرانه رژیم در چهار سال اخیر برای یکپارچه کردن حاکمیت خود و تثبیت کنترل بی رقیب خود بر ارکان سه گانه قدرت دولتی نتایج ویرانگری برای میهن بیار آورده است. عملکرد فاجعه بار دولت احمدی نژاد، رئیس جمهور برگمارده ولی فقیه، در تخریب همه امکانات بالقوه اقتصادی، سیاسی و دیپلماتیک، سپردن همه پست های کلیدی دولت به دست های بی کفایت فرماندهان سپاه و نیروهای امنیتی، و اتخاذ سیاست سرکوب و سانسور و پیگرد فعالان جنبش های کارگری، زنان و دانشجویی، جامعه را در آستانه انفجار قرار داده است.

امروز میهن ما بر سر دوراهی حساس و سرنوشت سازی قرار گرفته است. دو راهی ادامه رژیم استبدادی و قرون وسطایی کنونی به قیمت سرکوب خونین و کشتار باز هم بیشتر آزادی خواهان، و یا طرد رژیم "ولایت فقیه" به عنوان اساس حکومت استبدادی، و گشودن راه برای استقرار یک حکومت مردمی معتقد به جاری کردن اصلاحات پایه ای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کشور.

**آزادی برای همه
زندانیان سیاسی ایران!**



هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب توده ایران در دهمین نشست احزاب کارگری و کمونیستی جهان در برزیل

دهمین نشست جهانی احزاب کمونیست و کارگری، از ۱ تا ۳ آذرماه (۲۱ الی ۲۳ نوامبر ۲۰۰۸) با موفقیت کامل در شهر سائوپولوی برزیل، به میزبانی حزب کمونیست برزیل، برگزار شد. ۶۵ حزب کمونیستی و کارگری از ۵۵ کشور مختلف جهان در این نشست شرکت کردند.

نمایندگان احزاب شرکت کننده در باره موضوع این نشست که عبارت بودند از: "پدیده های نو در نظام بین المللی، وخیم تر شدن معضلات و تناقض های ملی، اجتماعی، زیست محیطی و رابطه میان امپریالیست ها، مبارزه برای صلح، دموکراسی، استقلال، پیشرفت و سوسیالیسم، واتحاد عمل احزاب کمونیست و کارگری" سخنرانی هایی ایراد کردند. متن کامل این سخنرانی ها را حزب میزبان به طور کامل منتشر خواهد کرد. این نشست انجام تبادل نظرهای با اهمیتی بین احزاب شرکت کننده را ممکن ساخت.

دهمین نشست، پیامی از سوی لوئیس ایناسیو لولا دسیلوا، رئیس جمهوری فدرال برزیل، دریافت کرد که در آن "قدر شناسی" او از "تمامی مبارزات" احزاب کمونیستی و کارگری "در دفاع از کارگران و فقرا" و "تعهد" احزاب کمونیست و کارگری "به پایه ریزی یک نظم اقتصادی نوین بین المللی" ابراز می گردد. دهمین اجلاس در خلال بحران شدید سرمایه داری، یعنی موضوعی که تمام سخنرانی ها معطوف به آن بود، برگزار گردید. بسیاری از شرکت کنندگان در نشست، بر ماهیت سیستماتیک و ساختاری بحران تاکید ورزیدند، در حالی که خاطر نشان کردند که این بحران مشخصه ای است ویژه از توسعه سرمایه داری که در این مورد با سیاست های مالی نولیبرالی دهه های اخیر، تشدید یافته است.

سخنرانان اجلاس استدلال کردند که، بحران اخیر شکست کامل و فروپاشی نو لیبرالیسم را نمایش می دهد، اما به خودی خود به معنای پایان سرمایه داری نیست، برعکس، بورژوازی در توسعه یافته ترین کشورها، قدرت سیاسی خود را برای سازماندهی "عملیات نجات" سیستم هایشان به کار می زند. اما این سیاست ها، فراتر از مطلوب سازی سرمایه داری، هدفش آن است که کارگران را به پرداخت هزینه تلاش در جهت حل تضادهای ذاتی سیستم وادار سازند. این بحران شدید، همچنین این افسانه را که ضد انقلاب های ۱۹۸۹-۱۹۹۱ به معنای پیروزی نهایی و بازگشت ناپذیر سرمایه داری بود، از اعتبار انداخت. این بحران هم محدودیت سیستم سرمایه داری به عنوان یک سیستم اجتماعی، و هم نیاز به برانداختن آن به شیوه ای انقلابی را برجسته ساخت.

در رابطه با مسئله مورد بحث، یعنی بحران سرمایه داری، ۶۵ حزب شرکت کننده در اجلاس "بیانیه سائو پولو" را که اظهار می دارد: "سوسیالیسم بدیل سرمایه داری است" به تصویب رساندند.

بسیاری از احزاب بر معنای مثبت به چالش طلبیدن فزاینده برتری ایالات متحده در جهان تاکید کردند، در حالی که یاد آور شدند که بشریت به مرحله مبارزه ضد امپریالیستی نیروی تازه یافته ای برای استقلال، توسعه، و پیشرفت اجتماعی مردمان و ملت ها وارد شده است. در همین رابطه برخی از احزاب اهمیت فوق العاده ائتلاف های تازه کشورهای در حال توسعه را- نظیر (BISA) (تربیبون آزاد سه جانبه، بین هند، برزیل و آفریقای جنوبی) و دیدارهای منظم BRIC (برزیل، روسیه، هند، چین) به عنوان سیما هایی از روابط نیروی تازه یافته جنوب- جنوب خاطر نشان کردند.

برای تمام احزاب کمونیستی و کارگری حاضر در نشست، بحران جاری سرمایه داری، نیاز به مطرح کردن موضوع گذار به سوسیالیسم، و تشدید مبارزه اندیشه ها در میان مردم، به هنگامی که محدودیت های سرمایه داری در پیش چشم همگان آشکار گردیده است، تقویت می کند.

احزاب حاضر همچنین بر اهمیت نمادین برگزاری نشست سالانه احزاب برای اولین بار در امریکای لاتین، بر بین المللی شدن روند نشست های سالیانه، و توجه به اینکه این منطقه به قطب مقاومت ضد نولیبرالی و ضد امپریالیستی تبدیل شده است، تاکید کردند.

دهمین نشست بیانیه "همبستگی با خلق های امریکای لاتین و کارائیب" را با استقبال از مبارزات توده ای و پیروزی های کسب شده اخیر در سراسر قاره به وسیله نیروهای دموکراتیک، مترقی و ضد امپریالیست، از جمله کمونیست ها، به تصویب رساند.

شرکت کنندگان در اجلاس نگرانی عمیق خود را نسبت به اوضاع انفجاری خاورمیانه به سبب طرح های امپریالیسم برای تغییر شکل منطقه، اشغال عراق و تعدی مداوم اسرائیل به خلق فلسطین ابراز کردند. احزاب شرکت کننده توجه ویژه به بحران انسانی در غزه به دلیل محاصره توسط اسرائیل را ضروری دانستند، و خواستار پایان دادن به محاصره و نیز برچیدن دیوار نژاد پرستانه و شهرک های اسرائیلی گردیدند.

شرکت کنندگان نشست، تشویق یک رشته اقدام های مشترک، نظیر ابتکار عمل هایی در باره بحران سرمایه داری، کارزارهای همبستگی با کوبا به مناسبت پنجاهمین سالگرد انقلاب کوبا؛ ابتکار عمل های ضد ناتوی به مناسبت شصتمین سال بنیانگذاری آن؛ همبستگی با فلسطین، از جمله دیدارهایی از سوی هیئت های نمایندگی از غزه، را تصویب کردند.

در پایان روز دوم اجلاس نمایندگان ۶۵ حزب کمونیست و کارگری در یک گردهمایی همبستگی با مبارزات خلق های امریکای لاتین شرکت کردند. آنها در این گردهمایی فرصت همراهی با رزمندگان حزب کمونیست برزیل، و هیئت های نمایندگی جنبش های سیاسی و اجتماعی مترقی امریکای لاتین را یافتند، همبستگی و انترناسیونالیستی خود را تصریح کردند.

سائوپولو- حزب کمونیست برزیل
۲۳ نوامبر ۲۰۰۸

بیانیه سائوپالو: سوسیالیسم جایگزین مناسب شرایط کنونی است!

جهان با بحرانی اقتصادی و مالی در ابعادی وسیع روبرو است. این بحران، بحرانی است مربوط به سرمایه داری که از سرشت آن و از تناقض های غیر قابل آن جدا شدنی است و احتمالاً سنگین ترین بحران از زمان رکود اقتصادی سال ۱۹۲۹ بوده است و مثل همیشه کارگران و زحمت کشان قربانیان اصلی آن هستند.

بحران کنونی بیانگر بحران ژرف تری است که ذاتی نظام سرمایه داری است و گواه بر محدودیت های تاریخی سرمایه داری، به سان یک نظام اجتماعی، و ضرورت سرنگونی انقلابی آن است. بحران کنونی همچنین تهدیدی بسیار جدی از پیروی اجتماعی و دمکراتیک به همراه دارد و چنان که تاریخ نشان داده است می تواند زمینه را برای اقدامات نظامی گرانه و سرکوب گرانه فراهم سازد که

ادامه نشست مهم احزاب کارگری و ...

هوشیاری هر چه بیشتر احزاب کمونیستی و همه نیروهای دمکراتیک و ضد امپریالیستی را طلب می کند.

در زمانی که میلیاردها دلار از خزانه ملی برای نجات مسئولان بحران کنونی - یعنی کلان سرمایه داران، سرمایه مالی و بورس بازان - پرداخت می گردد زحمت کشان، زمین داران کوچک، لایه های میانی و تمامی کسانی که برای گذران زندگی کار می کنند زیر فشار شرکت های انحصاری قرار گرفته اند و در این رهگذر استثمار و بی کاری، دستمزدها و حقوق بازنشستگی کم تر، ناامنی، گرسنگی و فقر بیشتری را تجربه خواهند کرد.

کارزارهای ایدئولوژیک انحرافی نیرومند، در پی پنهان کردن خاستگاه اصلی این بحران و مسدود کردن راه به سوی راه حل هایی است که به سود توده های مردم پشتیبان موازانه ای نو از قدرت، برقراری نظم بین المللی بی نو به سود نیروهای مردمی، همبستگی بین المللی و دوستی میان خلق هاست. قدرتهای عمده سرمایه داری: ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن با بکارگیری سازمان های بین المللی زیر سلطه خود مانند صندوق بین المللی پول، بانک جهانی، بانک مرکزی اروپا، ناتو و دیگران و نیز با جوسازی و بهره برداری از آن به سود اهداف خویش در سازمان ملل، برای نجات کوتاه مدت با سراسیمگی بدنبال "راه حل هایی" هستند (که خود بذره های بحران های نوینی خواهند شد) تا بتوانند سازوکار ستم گری و بهره کشی امپریالیستی را دوباره تقویت بخشند.

آنها با طفره رفتن از تبیین عوامل اصلی و تأکید بر گزینش های ناکارآمد برای تدوین "مقررات" و اقدامات "انسان گراییانه" و اصلاح سرمایه داری، تنها خواهان تغییر سیمای سرمایه داری با حفظ ماهیت آن هستند. احزابی که از سرمایه پشتیبانی می کنند احکام "اجماع واشنگتن" را که در اقتصاد مالی گرایی قماری ددمتشان جان تازه ای دمیده است با شتاب زدگی پذیرفتند. سوسیال دمکراسی با پنهان سازی تمکین خود به نولیبرالیسم و تبدیل به یکی از شالوده های امپریالیسم، در برگشتی تاخیر آمیز به "مقررات" آموزه کنیزان که سرشت طبقاتی قدرت و مناسبات مالکیت را دست نخورده باقی می گذارد به روشنی از پذیرش گزینه های انقلابی برای زحمت کشان و مردم پرهیز می کند.

ناکامی این چشم انداز نیز اجتناب ناپذیر است.

همان گونه که تاریخ نشان داده است اگر کارگران و مردم متحد شوند می توانند در تعیین مسیر رویدادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اثرگذار باشند و با در تنگنا قرار دادن سرمایه بزرگ، آن را به دادن امتیازات مهم به سود توده ها وادار و از پیشرفت بسوی فاشیسم و جنگ جلوگیری کنند و راه را برای فرارفت های عملی مترقی و حتا انقلابی بگشایند.

آینده، در آستانه یک مبارزه طبقاتی بی امان و فزون یابنده در سطح جهان قرار گرفته است. بشریت لحظات بسیار دشوار و پیچیده ای از تاریخ را می پوید که در آن با بحران اقتصادی جهانی همزمان با بحران های سوخت و غذا و بحران جدی زیست محیطی مصادف شده است؛ به سخنی دیگر دنیای سرشار از بی عدالتی و نابرابری، جنگ و کشمکش.

ما اکنون در برابر یک تقاطع تاریخی و تعیین کننده قرار گرفته ایم؛ در یک سو صلح جهانی، حق حاکمیت، دمکراسی و حقوق زحمت کشان و مردم قرار دارد و در سوی دیگر توانمندی سترگی برای بیکار و پیشرفت آرمان رهایی کارگران و توده ها، آرمان پیشرفت اجتماعی، صلح، آرمان سوسیالیسم و کمونیسم.

احزاب کمونیست و کارگری که در دهمین نشست خود در سائوپالو گرد آمده اند به مبارزه توده ای پدید آمده بر ضد ستم و بهره کشی امپریالیستی، بر ضد افزایش دست اندازی به دست آوردهای تاریخی جنبش کارگری و بر ضد حملات نظامی گرایانه و ضد دمکراتیک امپریالیسم درود می فرستند.

تأکید بر این امر ضروری است که باید ورشکستگی نولیبرالیسم را نه در کاستی های شیوه های مدیریت سرمایه داری بلکه شکست خود سرمایه داری و درستی اهداف آرمانی و برنامه کمونیستی دریافت. ما تصریح می کنیم که آرزوی والای رهایی زحمت کشان و توده ها تنها در گسستگی قدرت کلان سرمایه، قدرت های امپریالیستی و متحدان آن و نیز با دگرگونی بنیادی با ماهیت آزادی گرا و ضد انحصاری تحقق خواهد یافت.

ما طبقه کارگر، زحمت کشان و خلق های جهان را با یقین به درستی گزینه سوسیالیسم، راهی به یک استقلال واقعی و کامل خلقی، راهی برای تصریح حقوق زحمت کشان و تنها راه پایان دادن به بحران های ویران گر سرمایه داری، فرا می خوانیم

تا به رسالت کمونیست ها و انقلابیون بپیوندند و با اتحاد پیرامون منافع طبقاتی و آرمان های عدالت جویانه، با دست های خود ساختمان آینده ای شکوفا، عادلانه و سرشار از آرامش را برای بشریت پی ریزی نمایند. بدین ترتیب شرایط برای پیوستن مبارزات مردمی به یکدیگر و مقاومت در یک جنبش گسترده بر ضد سیاست های سرمایه داری در رابطه با بحران ها و تحریکات امپریالیستی که صلح جهانی را به خطر می اندازد پدید می گردد. با اطمینان به امکان پذیر شدن جهانی دیگر، جهانی بدون استثمار طبقاتی و ستم گری سرمایه داری، ما پشتیبانی خود از ادامه پویای تاریخی برای ساختمان جامعه ی نوین، بدون بهره کشی و ستم گری طبقاتی یعنی سوسیالیسم را اعلام می کنیم.

بیانیه ریاست جمهوری، لوئیس ایناسیو لولا دسیلوا به دهمین گردهمایی احزاب کمونیست و کارگری

برزیل، ۲۱ نوامبر سال ۲۰۰۸

رفیق گرامی رناتو رابلو،

رفقای گرامی،

ادای احترام من به دهمین گردهمایی احزاب کمونیست و کارگری تنها انجام وظیفه رسمی نیست بلکه سپاسگزاری از پیکاری است که همه شما در دفاع از کارگران و تهیدستان به پیش برده اید، سپاسگزاری از آن احساسات انسانی است که راهنمای مبارزه ی شما برای ریشه کنی فقر، گرسنگی و نابرابری موجود در بین خلق ها است و سپاسگزاری از تلاش شما برای ساختمان یک نظم اقتصادی نوین جهانی می باشد.

ما با بحران الگوی سیاست های نولیبرالی که کارایی خود را در سه دهه اخیر بر ساختار قدرت و تولید جوامع جهان نهاده است روبرو هستیم. اقتصاد بی نظم و لجام گسیخته جهانی منطق غیر مسئولانه ی قمار سرمایه داری را در پی گرفته است. سیاست های همگانی، به ویژه خدمات اجتماعی، جای خود را در برنامه های خلقی از دست داده اند و ماشین عدم توسعه جایگاه بزرگی را برای خود کسب کرده است.

بنابراین، اساسی است که لحظه کنونی را مورد بحث قرار دهیم. البته من قصد پیش گوئی گام بعدی در تاریخ را ندارم - و توانایی چنین کاری را ندارم - لیکن مایل به کردهائی اشاره کنم، که اهمیت پر بهایی در گفتمان دوره ای که آغاز می شود، خواهند داشت.

نخست، بر این باورم که زمان رهائی کارگران فرا رسیده است - از کارگرانی که در مزارع و کارخانه ها کار می کنند تا آنهایی که در پیشرفته ترین آزمایشگاه های کامپیوتری اشتغال دارند. زمان رهائی کار بعنوان منبع بزرگ ثروت و کامیابی، در مبارزه برای توسعه فرا رسیده است. لازم است که تولید را افزایش دهیم و اولویت بیشتری به زیربنای عمومی و آموزش و پرورش برای رفاه همگانی بدهیم.

افزون بر این، نباید فراموش کنیم که همبستگی زمانی معنای حقیقی خود را خواهد یافت که منافع جهانی و همه ی انسان ها را هدف قرار دهد. جامعه ی مدنی متشکل، نهادهای بین المللی و سازمان های گوناگون، باید واقعیت های نوین و بازگشت ناپذیر اعضای جامعه جهانی را بازتاب دهند. عواملی که ما را بعنوان یک خلق، با حقوق و وظایفی که مسئول سرنوشت بهم پیوسته ی تمام کره ی زمین می باشیم، بهم پیوند می زنند.

هم اکنون، انسان برای رفع نیازهایش بیش از اندازه تولید می کند. لیکن آینده تنها در صورتی پایدار خواهد بود که دیگر گرسنگی، تهدیدی برای ۸۵۵ میلیون ساکنین این کره نباشد. همانطوری که همه می دانیم، لحظات بحرانی یک رشته

همبستگی احزاب کمونیست و کارگری جهان با مبارزات مردم ایران

در جریان دهمین نشست بین المللی احزاب کمونیست و کارگری جهان، در سائوپولو، قطعنامه ای در رابطه با تهدیدهای ایالات متحده بر ضد ایران و همچنین در همبستگی با مبارزات جنبش رو به اعتلای مردم ایران مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. این قطعنامه که مورد حمایت یکپارچه ۶۰ هیئت نمایندگی از سراسر جهان قرار گرفت، ضرورت همبستگی از مبارزات جنبش کارگری، زنان و جوانان ایران به مثابه اجزای کلیدی جنبش صلح رو به اعتلای کشور را مورد توجه قرار می دهد.

حضور رهبران و دبیر کل های احزاب کمونیست هند، برزیل، ونزوئلا، آفریقای جنوبی، فدراسیون روسیه، مجارستان، یونان، نپال، آرژانتین، کلمبیا در میان امضاء کنندگان این قطعنامه کاملاً چشمگیر می باشد. جالب توجه است که اکثریت مطلق احزاب کمونیست- کارگری شرکت کننده از کشورهای آمریکای لاتین از این قطعنامه حمایت کردند.

قطعنامه دهمین نشست بین المللی احزاب کمونیست و کارگری بر ضد تهدیدهای امپریالیسم و برای صلح و دموکراسی در منطقه خاورمیانه و ایران

ما، احزاب و سازمان های امضا کننده این بیانیه، شرکت کنندگان در دهمین نشست بین المللی احزاب کمونیست و کارگری در روزهای ۲۲ تا ۲۴ نوامبر ۲۰۰۸ (۱۵ تا ۱۷ آذر ۸۷) در شهر سائوپولو برزیل، نگرانی عمیق خود را نسبت به ادامه حضور نظامی امپریالیسم آمریکا و متحدانش در منطقه خاورمیانه، ادامه تجمع نیروهای نظامی آمریکایی در منطقه خلیج فارس، و ادامه موضع نظامی گریانه و برتری طلبانه آمریکا در مقابله با ایران اعلام می داریم. جورج بوش، که سیاست هایش در انتخابات اخیر آمریکا با قاطعیت از سوی مردم آمریکا طرد شد، به مشی جنگ طلبانه اش ادامه می دهد و در هفته های اخیر باز هم تمایل اش به "اقدام های اضطرابی بر ضد ایران" را تکرار کرده است. به اعتقاد ما، سیاست های آمریکا نسبت به ایران در هشت سال گذشته، و نیز اشغال نظامی عراق و افغانستان و تهدید بر ضد سوریه، همگی بخشی از نقشه ها و طرح های آمریکا برای "خاورمیانه بزرگ" است که هدف آنها تامین سرکردگی و تسلط آمریکا بر منابع انرژی گسترده این منطقه است.

رژیم مذهبی ایران از جو متشنج کنونی در ارتباط با امپریالیسم و نیز سیاست های مداخله جویانه آمریکا نسبت به ایران به منظور توجیه و گسترش سرکوب نیروهای مترقی، سندیکاهای صنفی، و جنبش های زنان و جوانان و دانشجویان بهره برداری می کند. این جنبش ها اجزای کلیدی جنبش اوج گیرنده صلح و عدالت اجتماعی در ایران هستند. ما همچنین با نگرانی شاهد وخیم تر شدن وضعیت حقوق بشر در ایران در چند ماه اخیر هستیم. بر اساس گزارش هایی که به دست ما رسیده است، در چند هفته گذشته حملات تازه ای بر ضد فعالان جنبش زنان صورت گرفته است.

ما پیمان می بندیم که کارزاری را دنبال کنیم با این هدف که دولت آینده آمریکا را واداریم سیاست های تجاوزکارانه بوش نسبت به ایران را کنار بگذارد و خط مشی تازه ای را بر پایه گفتگو و عدم مداخله در پیش گیرد. ما بار دیگر مخالفت کامل خود را با هر گونه تجاوز نظامی آمریکا، اتحادیه اروپا یا اسرائیل بر ضد ایران اعلام می کنیم. تصمیم گیری در مورد سمت گیری تحولات آینده ایران فقط باید توسط خود مردم ایران صورت بگیرد و نه دیگران.

ما خواهان امحای سلاح های هسته ای در خاورمیانه و دیگر نقاط دنیا، رعایت کامل و بی چون و چرای پیمان منع گسترش هسته ای، و اعلام این منطقه به عنوان منطقه عاری از سلاح های هسته ای هستیم.

احزاب رای دهنده به قطعنامه

۸. بلغارستان - حزب کمونیست بلغارستان
۹. کانادا - حزب کمونیست کانادا
۱۰. شیلی - حزب کمونیست شیلی
۱۱. کلمبیا - حزب کمونیست کلمبیا
۱۲. قبرس - حزب مترقی زحمتکشان قبرس (اَکل)
۱۳. جمهوری چک - حزب کمونیست بوهم و موراوی
۱۴. دانمارک - حزب کمونیست دانمارک
۱۵. دانمارک - حزب کمونیست دینامارکا
۱۶. اکوادور - حزب کمونیست اکوادور
۱۷. فنلاند - حزب کمونیست فنلاند
۱۸. گرجستان - حزب کمونیست متحد گرجستان
۱۹. آلمان - حزب کمونیست آلمان
۲۰. بریتانیای کبیر - حزب کمونیست بریتانیا
۲۱. یونان - حزب کمونیست یونان
۲۲. مجارستان - حزب کمونیست کارگران مجارستان
۲۳. هندوستان - حزب کمونیست هندوستان
۲۴. هندوستان - حزب کمونیست هندوستان (مارکسیست)
۲۵. عراق - حزب کمونیست عراق
۲۶. ایران - حزب توده ایران
۲۷. ایرلند - حزب کمونیست ایرلند
۲۸. ایرلند - حزب کارگر ایرلند
۲۹. ایتالیا - حزب کمونیست رفونداسیون
۳۰. ایتالیا - حزب کمونیست های ایتالیا
۳۱. لائوس - حزب انقلابی مردمی لائوس
۳۲. لتوانی - حزب سوسیالیست لتونی
۳۳. لبنان - حزب کمونیست لبنان
۳۴. لوکزامبورگ - حزب کمونیست لوکزامبورگ
۳۵. مکزیک - حزب کمونیست های مکزیک
۳۶. نپال - حزب کمونیست نپال (مارکسیست - لنینیست متحد)
۳۷. هلند - حزب کمونیست جدید هلند
۳۸. نروژ - حزب کمونیست نروژ
۳۹. فلسطین - حزب کمونیست فلسطین
۴۰. فلسطین - حزب مردم فلسطین
۴۱. پاناما - حزب خلق پاناما
۴۲. پاکستان - حزب کمونیست پاکستان
۴۳. پاراگوئه - حزب کمونیست پاراگوئه
۴۴. پرو - حزب کمونیست پرو (میهن سرخ)
۴۵. پرو - حزب کمونیست پرو
۴۶. پرتغال - حزب کمونیست پرتغال
۴۷. روسیه - حزب کارگران کمونیست روسیه
۴۸. روسیه - حزب کمونیست فدراسیون روسیه
۴۹. صربستان - حزب کمونیست جدید یوگسلاوی
۵۰. آفریقای جنوبی - حزب کمونیست آفریقای جنوبی
۵۱. اسپانیا - حزب کمونیست خلق های اسپانیا
۵۲. سوریه - حزب کمونیست سوریه (خالد بکتاش)
۵۳. سوریه - حزب کمونیست سوریه (یوسف فیصل)
۵۴. سوئد - حزب کمونیست سوئد (SKP)
۵۵. ترکیه - حزب کمونیست ترکیه
۵۶. اوکراین - حزب کمونیست اوکراین
۵۷. اوکراین - اتحادیه کمونیست های اوکراین
۵۸. ایالات متحد آمریکا - حزب کمونیست ایالات متحد آمریکا
۵۹. اوروگوئه - حزب کمونیست اوروگوئه
۶۰. ونزوئلا - حزب کمونیست ونزوئلا

۱. برزیل - حزب کمونیست برزیل (PCdoB)
۲. الجزایر - حزب دموکراسی و سوسیالیسم الجزایر
۳. آرژانتین - حزب کمونیست آرژانتین
۴. بلاروس - حزب کمونیست بلاروس
۵. بلژیک - حزب کارگران بلژیک
۶. بولیوی - حزب کمونیست بولیوی
۷. برزیل - حزب کمونیست برزیل



© Original Artist
Reproduction rights obtainable from
www.CartoonStock.com

می کشانند.

بنابراین قانون
زدایی نولیبرالیستی،
اگر چه در ابتدا
آفریننده فرصت
های نو در دنیای
ابتکارات مالی
گردید ولی با شتاب
سراسر آوری ظرف
تاریخچه سه دهه
ای خود آفریننده پر

مخاطره ترین تجارت های مالی نیز گردید. نتیجه آنکه اگر پیش از قانون
زدایی، یعنی بین سالهای ۱۹۵۰-۱۹۷۵ بطور متوسط هرسال بین چهار تا پنج
بانک ورشکست می شد، پس از قانون زدایی، تنها در سال ۱۹۸۹، نزدیک به
۲۰۰ بانک به ورطه ورشکستگی کشیده شدند. (نگاه کنید به آمار منتشره
دولت امریکا در: www.fdic.gov/bank/historical/bank/index/html)

برای روشن شدن بیشتر، لازم است که به فرآورده های مشتقات مالی که از
جمله عاملان اصلی بحران اخیر هستند اشاره کرد. این مشتقات مالی که برای
نخستین بار در سال ۱۹۷۵ برای حفاظت سرمایه گزاران و رهنابیدن مؤسسات
مالی از خطرات احتمالی ناشی از بهره صادر شده بودند در رشد سریع خود به
بازار اعتبارات نیز راه یافتند.

دو نوع از این مشتقات مالی یکی اوراق قرضه با پشتوانه (Collateral
Debt Obligations) میباشد که برای نخستین بار در دهه ۸۰ و دیگری
اوراق تضمین مبادله ای اعتبارات (Credit Default Swaps) است که
در دهه ۹۰ بعنوان مشتقات مالی وارد بازار اعتبارات شدند و سرانجام اقتصاد
امریکا را به ورطه بحران فراگیر کشانند.

“اوراق قرضه با پشتوانه” نوعی از اوراق بها دار است که با صندوقی از اوراق
بها دار دیگر تضمین می شود. این نوع مشتق مالی در راه یابی خود به بازار
اعتبارات، جای ویژه ای در کانال وام های مسکن پیدا کرد. شرکت های بزرگ
مالی با استفاده از این نوع مشتق مالی، از وام های مسکنی که با سهل ترین
شرایط داده شده بودند، بسته هایی با صدها هزار سند رهنی مسکن ساخته و
پس از ارزیابی آنها برای قیمت گذاری بر پایه خطر احتمالی (Risk)، هر بسته
را به قطعات کوچکتری (Tranche) تقسیم کرده و هر یک را برای فروش
به بازار مالی داخلی و خارجی عرضه کردند. شرکت های مالی خریدار، پس از
خرید، به نوبه خود بسته خریداری شده را باز کرده دوباره بسته تازه ای ساخته
تا با شرایط دیگری قطعات آنرا بفروشند و الی آخر. نتیجه چنین داد و ستدی از
طریق خرید و فروش اوراق بهادار چیزی جز نشانیدن اقتصاد بازار مالی به روی

ادامه در صفحه ۳

کمک مالی رسیده

جمع آوری شده در جشن سالگرد شصت و هفتمین سالگرد حزب توده ایران
در شهر ونکوور کانادا ۴۰۰ دلار

زمینه های تاریخی بحران مالی اخیر امریکا

بحران بازار مالی امریکا در روزهای اخیر نتیجه قابل پیش بینی روند
مالی گرایی (Financialization) اقتصاد امریکاست که از
نخستین سالهای دهه ۱۹۷۰ آغاز گردید. مالی گرایی اقتصاد را می
توان از نقطه نظرهای گوناگون ایدئولوژیکی، سیاسی و یا صرفاً
اقتصادی تعریف کرد. روشن است که تعریف جامع تعریفی خواهد بود
که هر سه عرصه فوق را در بر گیرد. در این معنا، مالی گرایی بخشی
از ایدئولوژی اقتصاد بازار آزاد سرمایه داری برتری طلب است که
امکان رشد روز افزون بخش مالی اقتصاد را از طریق “ پول سازی ”
مستقیم از پول فراهم می کند. روند این ثروت اندوزی پولی با تولید
کالا های مالی و مبادله آنها از طریق شبکه های مالی با نوعی
گسست روز افزون از شبکه های تولید کالا های واقعی صورت میگیرد.
بنابراین از آنجا که دینامیسم اقتصاد مالی گرایی مبتنی به فاصله
گیری ثروت اندوزی “ کاغذی ” از تولید ثروت واقعی است انجامی جز
بحران اقتصادی ندارد.

با توجه به تعریف فوق، رشد مالی گرایی متضمن رشد بلا انقطاع
بازار اعتبارات است که این خود نیازمند بازار است آزاد که کمترین
دخاله دولت را در امور رتق و فتق آن ایجاب میکند. به عبارت دیگر،
پیش شرط اقتصاد مالی گرایی بطور کلی قانون زدایی بازار مالی است،
و بطور اخص قانون زدایی بازار اعتبارات است. درست به همین دلیل
است که بحران اقتصادی امروز امریکا مستقیماً ریشه در فلسفه
سیاسی - اقتصادی نولیبرالیسم حاکم بر دستگاه حکومتی دارد. چنین
نولیبرالیسمی مدل اقتصادی کینز (Keynes) طرفدار دخالت دولت
در امور اقتصادی و بازار را رد می کند؛ قوانین بازار مالی فرانکلین
روزولت سالهای ۱۹۳۰ (معروف به قراردادهای نو) را یکی پس از
دیگری لغو می کند: دست در “ دست نامرئی ” آدم اسمیت (Adam Smith)
(Self-Adjusting) مبلغ ایده خود تنظیمی (Self-Adjusting)
بازار می گردد. علت اصلی چنین جهشی از لیبرالیسم به نولیبرالیسم
چیزی جز ایده لوژی سرمایه داری هژمونی طلب از طریق سبقت رشد
اقتصادی در سطح جهانی نیست.

در اینکه قانون زدایی و رهایی از مقررات دست و پا گیر بازار به
انقطاع بازار قرضه ها و رشد سریع ماریج گونه بازار مالی می انجامد
شکی نیست. قانون زدایی درجه سیلاب گیری را می گشاید که
انباشته است از ظرفیت در تولید فرآورده های جدید مالی به خصوص
از ابتکار در عرضه آنها به بازار اعتبارات که بالقوه از سالهای ۱۹۷۰ و
بالفعل با روی کار آمدن ریگان از سال ۱۹۸۰ در امریکا آغاز شد.
اما مسئله مشکل زا اینست که همان فرآورده های مالی که با
استفاده از سهولت حد اقل مقررات، بازار مالی را بسوی حد اکثر
تحرك و سود آوری سوق می دهند، همان فرآورده های هستند که پس
از یک دور کامل دوره مالی، این بازار را از اوج قله به دامنه حضيض

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

آدرس های پستی: 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
<http://www.tudehpartyiran.org> آدرس های اینترنتی و “ای-میل”
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 805
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Saturday 6th December 2008

شماره فاکس و تلفن
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRANe.V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse